



سجاد بنکدار

تاریخ مصرف قهرمانان خیالی

می‌زند که معنی و مفهوم این کار بتمن را به خوبی روشن می‌کند: «بتمن قهرمانیه که گاتهام شایستگی‌اش را داره نه قهرمانی که شهر الان بهش احتیاج داره».

تاریخ مصرف قهرمانانی مثل بتمن گذشته است و به همین دلیل باید روی خوش هاروی دنت را به مردم نشان داد. بالاخره هر چیزی می‌تواند روی خوش داشته باشد حتی کسی مثل جورج بوش!

۵. حالا وقت چیدن قطعه‌های پازل کنار هم است: با دیدن این فیلم خیلی راحت و سریع به ارجاعات سیاسی آن پی می‌برید و خود به خود شخصیت‌ها را همان‌گونه که کارگردان خواسته است جای شخصیت‌های واقعی امروز قرار می‌دهید.

کریستوفر نولان یک کارگردان جمهوری‌خواه (حزب آقای جرج بوش) است که گویا با این فیلم قصد داشته نسبت به حزبش ادای دین کند دقت کنید: هاروی دنت و جورج بوش، گاتهام و نیویورک، تروریست جانی؛ جوکر و بن لادن.

این طور نیست؟ گویا سازندگان فیلم از شما می‌پرسند: قهرمان کیست؟ بتمن (سیستم مبارزه قدیمی که ناکارآمد شده است) یا هاروی دنت و همان بوش خودمان که با راه و روشی تازه و به اصطلاح کاری، پا به میدان مبارزه گذاشته بود؟

جواب ساده است. گاتهام سیتی یا نیویورک یا جامعه جهانی نیاز به یک ابر قهرمان تازه و واقعی دارد و همه باید به او حق بدهند که برای مبارزه با تروریسم هر کاری که بخواهد بکند، از هر روشی که بخواهد استفاده کند، همه باید کارهای زشتی را که شاید مرتکب آن شده است فراموش کنند و به آن روی خوب سکه نگاه کنند و از او در این راه الگو بگیرند! یک قهرمان بی‌اخلاق به جای قهرمانان جوان مرد و انسان‌دوست.

... بگذریم از این که ظاهراً ترندهای هالیوود هم کارگر نیفتاد و آن چه در جهان واقعی اتفاق افتاد چیزی غیر از اتفاقات دنیای خیالی هالیوود است!

این بود پازلی به نام شوالیه تاریکی! ●

جنایتکاران می‌ایستد.

جوکر نابودی بتمن را نمی‌خواهد بلکه بتمن را برای سرگرمی و لذتش که همان جنایت است می‌خواهد. و این را در یکی از سکانس‌های طلایی فیلم می‌گوید «ما هر دو مثل همیم، اگر من نباشم تو هم نیستی. برای اون‌ها هم مهم نیست، ما بدون هم نمی‌تونیم زنده باشیم». این یک جمله شما را یاد یک نسبت نمی‌اندازد؟ نسبت آمریکا و القاعده!

۴. «هاروی دنت» ابر قهرمان تازه شهر و دادستان محبوب گاتهام است و البته کابوس تبهکاران. او با یک دستور، جمع زیادی از جانیان را روانه زندان می‌کند. او بدون هیچ خشونت خاصی کارهایی می‌کند که بتمن با آن قدرت افسانه‌ایش توان چنین کارهایی را ندارد.

مردم گاتهام بین بتمن و دادستان دست به یک انتخاب سرنوشت‌ساز می‌زنند و هاروی دنت را به عنوان قهرمان آینده و شوالیه سفیدپوش خویش برمی‌گزینند، حتی خود بتمن نیز تمام شدن دوره‌اش را می‌پذیرد و همانند مردم به حمایت از او می‌پردازد. اما ماجرا به این سادگی هم نیست. هاروی دنت اسیر حيله‌های جوکر می‌شود و مسیری را همانند تبهکاران و جانیان طی می‌کند. او در مبارزه با جوکر شکست می‌خورد و برای گرفتن انتقام از جوکر که عشقش را کشته بود، قانون را زیر پا می‌گذارد و برای انتقام دست به هر عملی می‌زند.

در سکانس پایانی، هاروی دنت که تبدیل به جانی خطرناکی شده بود، توسط بتمن و رئیس پلیس شهر «جیمز گوردن» کشته می‌شود، بتمن که خود همانند مردم چشم امید به او بسته بود تصمیم می‌گیرد که او را برای مردم حفظ کند و چهره قهرمان تازه شهرشان را نابود نکند به همین دلیل همه جنایات و زشتی‌های هاروی دنت را به عهده می‌گیرد و به رئیس پلیس می‌گوید که او را به عنوان متخلف به مردم معرفی و تعقیب کند تا مردم از قهرمان حقیقی‌شان هاروی دنت الگو بگیرند نه از قهرمان خیالی مثل بتمن!

جیمز گوردن (رئیس پلیس) در انتها حرفی به مردم

اگر یادتان باشد در شماره قبل گفته بودم که زمانه حساسی عوض شده و این تغییر را در جایی مثل هالیوود و فیلم‌هایش به خوبی می‌شود دید. این بار درباره فیلم دیگری گفت‌وگو می‌کنیم که تحول و دگرگونی بر فضای داستان آن حاکم است چیزی که به مذاق خیلی از تماشاگران سینما خوش آمد و از آن استقبال کردند؛ فیلم «شوالیه تاریکی» ساخته کریستوفر نولان. این فیلم در ماه اول نمایش‌اش در جهان در نظرسنجی بزرگترین سایت سینمایی جهان بعد از فیلم پدرخوانده به عنوان دومین فیلم برتر تاریخ سینما شناخته شد.

شوالیه تاریکی متفاوت‌ترین فیلم از سری فیلم‌های «بتمن» است که تاکنون ساخته شده و اندیشیدن درباره مضامین آن مستلزم تماشای دقیق و موشکافانه و آزاد شدن از جذابیت داستان و جلوه‌های ویژه بصری است.

۱. «گاتهام سیتی» شهری خیالی است که زمانی آرام و زیبا بوده اما چند وقتی است که به محلی امن برای جنایت و هرج و مرج تبدیل گشته است، و هر لحظه یک اتفاق بزرگ و تکان‌دهنده را انتظار می‌کشد. مردم شهر از این بی‌قانونی به ستوه آمده‌اند و به دنبال راه گریزند. به همین دلیل است که سراغ قهرمان شهرشان یعنی «بتمن» می‌روند و... راستی اوصاف این شهر شما را به یاد نیویورک نینداخت؟!

۲. بتمن یا مرد خفاشی؛ «بروس وین» یکی از شهروندان ثروتمند و به قول آمریکایی‌ها یک جنتلمن تمام عیار است که در مواقع ضروری و حیاتی لباسی سیاه و خفاشی می‌پوشد و با قدرتی ابرانسانی به مبارزه با جانیان می‌پردازد. او از هیچ قانونی پیروی نمی‌کند و حتی به خشونت هم متوسل می‌شود. بتمن در این شهر با موجودی خطرناک و دیوانه به نام «جوکر» مواجه می‌شود و دست در دست قانون جنگی سخت را شروع می‌کند؛ اما در این جنگ، مردم به جای تشویق و حمایت از او، وی را عامل بدبختی خویش می‌دانند و از او می‌خواهند که خودش را تسلیم جوکر دیوانه - که بیمارستانی را با خاک یکی می‌کند - بنماید.

۳. جوکر دیوانگی را از پدرش به ارث برده و شکافته شدن دو طرف لب‌هایش یادگار پدر مرحوم‌اش است! او برای پوشاندن این زخم کهنه چهره‌اش را پشت یک نقاب دلک‌ مخفی می‌کند.

جوکر شخصیت منفور و در عین حال دوست‌داشتنی این فیلم است؛ دیوانه‌ای که عاشق جنایت و بی‌نظمی است. او در برابر هر قانونی حتی قانون‌های مخصوص